

**نویسنده:** تانیه گودسوزین «Tanya Goudsouzian» .  
**منبع و تاریخ نشر:** ریسپونسیبل ستیت گرفت «2025-10-06» .  
**برگردان:** پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل»

---



**چرا ترامپ پایگاه بگرام افغانستان را پس نخواهد گرفت**

***Why Trump won't get Afghanistan's Bagram base back***

در حالی که طالبان البته اعتراض کرده‌اند، روسیه و چین نیز حرفی برای گفتن خواهند داشت

***While the Taliban have of course objected, Russia and China would have something to say too***

\*\*\*\*\*

در یک پست ویا در یک وبسایت بنام «Truth Social» در تاریخ ۲۰ سپتامبر، رئیس جمهور ترامپ؛ طالبان را تهدید و اعلام کرد: که «اگر افغانستان پایگاه هوایی بگرام را بما پس ندهد... اتفاقات بدی خواهد افتاد!!» او اکنون می‌خواهد پایگاه نظامی که زمانی به عنوان بخشی از توافق نامه «دوحه» خروج ایالات متحده که در دولت اولش در سال ۲۰۱۹ امضا شد، بر سر آن مذاکره کرده بود، پس گرفته شود.

به طور غیرمنتظره‌ای، طالبان به سرعت این درخواست را رد کردند و خاطر نشان کردند: «طبق توافق نامه دوحه، ایالات متحده متعهد شده است که «از زور علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی افغانستان استفاده یا آن را تهدید نکند و در امور داخلی آن دخالت نکند.» و با توجه به اینکه **چین** اکنون عمیقاً در افغانستان پس از جنگ نفوذ کرده است، احتمالاً **پکن** اطمینان حاصل خواهد کرد که این تهدید چیزی بیش از یک اظهار نظر فی‌البداهه دیگر نباشد که نباید به معنای واقعی کلمه یا جدی گرفته شود.

از اوایل سال «۲۰۲۵»، ترامپ از بگرام، نه به عنوان یک هدف نظامی، بلکه به عنوان یک مهره شطرنج استراتژیک در رویارویی گسترده تر خود با **چین** یاد کرده است. او این پایگاه را «یک ساعت با جایی که [چین] سلاح‌های هسته‌ای خود را می‌سازد» فاصله دارد، توصیف کرده و آن را به عنوان یک پایگاه مهم مرزی که ایالات متحده هرگز نباید از آن دست می‌کشید، معرفی کرده است. از نظر ترامپ، بازپس‌گیری بگرام، تسلط آمریکا را در منطقه‌ای که به اعتقاد او در حال حرکت به سمت مدار پکن است، دوباره برقرار می‌کند. این همچنین یک روایت سیاسی قدرتمند است: آنچه را که **بایدن** از دست داده، بازیابی قدرت و نشان دادن عزم آمریکا در دورانی که شاهد افول است، بازپس بگیرد.

اما در حالی که ترامپ در مورد بازپس‌گیری بگرام صحبت می‌کند، چین از قبل وارد عمل شده است. پس از خروج ایالات متحده در سال 2021، از افغانستان پکن وقت زیادی را برای گسترش نفوذ خود تلف نکرد و در سال 2023 به اولین کشوری تبدیل شد که سفیر طالبان را پذیرفت.

در آگوست 2025، **وانگ یی**، وزیر امور خارجه چین، برای مذاکرات سطح بالا از کابل بازدید کرد که طی آن پکن به ذخایر معدنی گسترده افغانستان، از جمله لیتیوم، مس و اورانیوم، و گسترش تجارت و ارتباطات زیرساختی تحت ابتکار کمربند و جاده خود ابراز علاقه کرد. برای چین، افغانستان اکنون یک شریک استراتژیک حیاتی است. حضور نظامی مجدد ایالات متحده این منافع را تهدید می‌کند و بعید است که پکن در صورت تلاش واشنگتن برای بازگشت به منطقه، بی‌سروصدا دست روی دست بگذارد.

برخی از تحلیلگران معتقدند که درخواست ترامپ ممکن است کمتر در مورد بازپس‌گیری واقعی بگرام و بیشتر در مورد ایجاد اهرم فشار باشد. این می‌تواند یک ابزار چانه زنی باشد، یک گشایش حداکثری به منظور به دست آوردن چیزی کوچک‌تر، مانند

بازگرداندن بخشی از 7 میلیارد دلار سلاح آمریکایی که در جریان خروج نیروهای آمریکایی در افغانستان باقی مانده است. او ممکن است در ازای امتیازات، تضمین‌هایی در مورد حفاظت از حقوق اقلیت‌ها یا تعهداتی برای محدود کردن پناهگاه‌های امن تروریست‌ها دریافت کند اگرچه نگرانی‌های داعش - خراسان و سایر گروه‌های تروریستی واهی بوده است.

به گفته هلنا ملکیار، سفیر سابق افغانستان در ایتالیا، «ایالات متحده در بسیاری از کشورهای دیگر پایگاه نظامی دارد، اما این لزوماً به معنای رابطه استعمارگر-استعمارگر نیست - ژاپن، آلمان، قطر یا بحرین را در نظر بگیرید.» او اضافه می‌کند: «با این اوصاف، من شک دارم که ایالات متحده نیاز مبرمی به بگرام داشته باشد، با توجه به اینکه پاکستان از سال ۱۹۵۹» به پایگاه‌های هوایی خود دسترسی داده است. در واقع، پایگاه‌های هوایی در خیبر پختونخوا و پنجاب حتی از بگرام به چین نزدیک تر هستند

از نظر لفاظی، ترفند ترامپ نیز خوب عمل می‌کند و به او اجازه می‌دهد خروج بایدن از افغانستان را به عنوان یک اشتباه تاریخی که تنها او آماده رفع آن است، مطرح کند. اما چه این یک بلوف باشد و چه یک هدف واقعی، این لفاظی‌ها خطرات را افزایش می‌دهد و قدرت‌های منطقه ای مانند چین، روسیه و حتی طالبان از نزدیک آن را زیر نظر دارند.

اما همان‌طور که زلمی نشاط، پژوهشگر مرکز آسیایی ساکس، اشاره می‌کند، "طالبان به هیچ وجه یکپارچه نیستند. در حالی که برخی از جناح‌ها ممکن است در همکاری با ایالات متحده سود ببرند، برخی دیگر، به ویژه آنهایی که به هیبت‌الله [آخوندزاده] نزدیک هستند، به شدت مقاومت خواهند کرد. هرگونه اقدامی برای بازپس‌گیری بگرام، این اختلافات را آشکار می‌کند و پاسخ طالبان به این بستگی دارد که کدام جناح غالب شود."

این چند پارگی داخلی تنها یک لایه از یک معادله بسیار پیچیده تر است. فشار ترامپ برای بگرام نه تنها طالبان را به چالش می‌کشد، بلکه با نظم منطقه‌ای که دیگر بر واشنگتن متمرکز نیست، نیز مقابله می‌کند. واقعیت‌های میدانی از زمان اشغال ایالات متحده به طرز چشمگیری تغییر کرده‌اند. چین مصمم است نقش خود را در بازسازی افغانستان تثبیت کند و بازگشت ایالات متحده را که دسترسی آن به مواد معدنی ارزشمند یا منافع امنیتی گسترده ترش را تهدید کند، تحمل نخواهد کرد.

ایران مطمئناً تأسیسات ایالات متحده را به عنوان اهداف بالقوه می‌بیند و روسیه، اولین کشوری که رسماً دولت طالبان را به رسمیت شناخت، امروز ردپای گسترده‌ای در افغانستان دارد. این کشور نفت و گندم را با قیمت‌های تخفیف‌دار ارائه می‌دهد، با سرویس‌های امنیتی خود در برنامه‌های مبارزه با تروریسم همکاری می‌کند و فرمت مسکو با حضور ۱۱ کشور را برای رسیدگی به مسائل افغانستان ترویج می‌دهد. بعید است که نه پکن و نه مسکو از حضور نظامی مجدد آمریکا که می‌تواند تعادل شکننده‌ای را که آنها به دنبال حفظ آن هستند، بی‌ثبات کند، حمایت کنند.

نکته مهم این است که مردم آمریکا احتمالاً استقرار مجدد نظامی در کشوری را که دو دهه جنگ در آن دستاورد چندانی نداشته و تهدید تبدیل افغانستان به پناهگاه و مأمن تروریسم به اثبات نرسیده است، رد خواهند کرد. حتی اگر طالبان با یک راهحل مذاکره شده موافقت کنند، برای رئیس جمهور ترامپ دشوار خواهد بود که این توافق را بپذیرد. دو دهه پس از سقوط سایگون طول کشید تا ایالات متحده روابط دیپلماتیک خود را با ویتنام از سر بگیرد، و منطقی است که باور کنیم حمایت مردمی و کنگره به یک اندازه با مخالفت روبرو خواهد شد. مانند اکثر اظهارات شفاهی و حقیقت گرایانه رئیس جمهور ترامپ، پیشنهاد بگرام را می توان به معنای واقعی کلمه یا جدی گرفت، اما نه هر دو

### سطری چند در مورد نویسنده این مقاله:

تانیا گودسوزیان روزنامه نگار کانادایی است که بیش از دو دهه است که افغانستان و خاورمیانه را پوشش می دهد. او نقش های ارشد سرمقاله ای در رسانه های بزرگ بین المللی، از جمله به عنوان سردبیر بخش نظرات در الجزیره انگلیسی، داشته است



تانیا گودسوزیان

\_\_\_\_\_ **با احترام** «2025-10-07»

